

متن پرسش

با سلام و احترام خدمت استاد بزرگوار: اسعد الله ایامکم. منظور جناب سعدی در غزل ۵۶ که سه بیت از آن را در ادامه آوردم، چیست؟ با عنایت به کلام ائمه در مورد جبر و اختیار و موثر بودن انتخاب انسان در سرنوشت او، ابیات زیر را چگونه با ادبیات دینی، عرفانی می توان توضیح داد؟ و این که آیا این نوع نگاه سعدی اساساً صحیح است؟ زهدت به چه کار آید، گر رانده درگاهی؟ / کفرت چه زیان دارد، گر نیک سرانجامی / بیچاره توفیقند، هم صالح و هم طالح / درمانده تقدیرند، هم عارف و هم عامی / جهدت نکند آزاد، ای صید که در بندی / سودت نکند پرواز، ای مرغ که در دامی

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! اگر بیچاره توفیقند، هم صالح و هم طالح، پس باید در صداقت خود نسبت به توجه به او که عین حقیقت است، زمینه توفیق فراهم شود. در آن صورت کافر هم که باشی در کنار حاج قاسم، راه را یافته‌ای و گرنه با زهد و متوقف شدن در ظاهر دین کاری حاصل نمی‌شود. باید به سوی حقیقت پر کشید و تازه در این مسیر است که عبادات، معنای خود را می‌یابند و می‌فهمیم خداوند چه تقدیری را برای ما مقدر کرده است. مثل آن است که اگر امروز انسان‌ها متوجه تقدیر الهی که قرن نابودی ابرقدرت‌هاست نباشند، مقدسان احمقی هستند که حضرت روح الله از شر آن‌ها به خدا پناه می‌برد. موفق باشید